نصوص فوق تواتر پیرامون شهر شخصی و مفاد استصحابی روایات رویت

(37:34)

فرمودید: روایات متواتر هست که میزان را شب و روز قرار میدهد؛ فرمودهاید: این چه جعلی است که مشهور آن را در کردهاند. جعل باید از اتقان و نصوص مستفیضه برخوردار باشد، نه دو روایتی که در آنها اختلاف است. ببینید این بحثی که ما عرض میکنیم بالاتر از نصوص متواتره برخوردار است. بحث ما سر ِشهر مبارک است؛ «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»[1]، «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ»[2]. متشرعه میگویند در یک سال چند ماه مبارک داریم؟! این ارتکازیات است که میگویید چند تا! کجا در ارتکاز متشرعه هست که در یک سال چند ماه مبارک داریم؟! میفرمایید مانعی ندارد؛ بله، وقتی روی آن مبانء تبنی کردیم همینطور جلو میرویم. اما واقعاً ارتکاز متشرعه این است که در یک سال چند ماه مبارک داریم؟

شاگرد: یکی.

استاد: شخص یا نوعی؟

شاگرد: شخصی.

استاد: جزاکم الله خیرا.

شاگرد۲: ارتکاز میگوید در یک مکان یک سال هست. ولی بهصورت کلی ارتکاز روشنی نیست. فرمایش شما در یک مکان، مسلّم است. ولی قرار شد که ارتکاز یک امر مبهمی نباشد.

استاد: ببینید شما برای رویت نصوص متواتر را فرمودید، کنار این نصوص رؤیت نیامده بود که اگر یک جای دیگر گفتند دیدهاند، باید قضا کنید؟!

شاگرد۲: آن هم رؤیت بود.

استاد: میدانم رؤیت بود، اما در جای دیگری دیدند و گفتند قضا کنید.

شاگرد: یعنی رؤیت، مکان خاص ندارد

استاد: روایت وسائل چه بود؟ شب بیست و نهم ماه را دیدند، حضرت فرمودند ماه که نمیتواند بیست و هشت روز باشد، قضا کنید. خب آنها که ندیده بودند. پس معلوم میشود شما که رؤیت را

می‌گویی‌د، همراه خود رؤیت، ارتکاز این است که موضوع وجوب صوم، شهر مبارک است. نه هلالی که قیدش دیدن ما است. شما مدام مراجعه کنید و تلطیف کنید؛ بگویید اسلام و متشرعه چه می‌گویند؟ می‌گویند روزه ماه مبارک واجب است. پس شما ندیدی ای شبهه پیش آمد، مهم نیست، بعدش قضا کن. این نصوص مستفیضه نیست؟! این بالاتر از نصوص متواتره و مستفیضه است؛ یعنی روزه ماه مبارک واجب است. وقتی ثابت شد حالا چه کار کنیم؟ اگر روزه نشد، باید قضا کنیم. پس موضوع «الشهر» است. نه «الشهر العلوم/ الشهر المرئی هلاله». موضوع این است. رؤیت، طریق به ثبوت شهر است. «اذا رایتم الهلال» نه یعنی «حلّ الشهر بورتیکم». بلکه «هلّ الشهر بثبوته» و رؤیت شما کاشف و طریق به آن موضوع وجوب صوم است.

شاگرد: این طریقی موضوعی نیست؟

استاد: اگر طریقی موضوعی هم باشد باز اصل، آن می‌شود. ولذا در رساله رویت هلال ایشان مجبور شدند، صفتی بگیرند. ما قبلاً بحث کردیم. گفتند این رویت صفتی است. یعنی حتی اگر امام معصوم هم بگویند فایده‌ای ندارد. به این تصریح کردند. گفتند چون شارع این رویت را جزء صفتی شهر شرعی قرار داده است. تا آن جا رفتند. بحث جلو می‌رود.

بنابراین این ادله با اینها در تعارض نیست. تعارضی که ما ببینیم باید مستقر بشود. باید همه جهاتش را در نظر بگیریم.

شاگرد۲: عرضم فقط در مورد مبادئیت است. یعنی این روایاتی که نصف النهار دخو الارض را به‌عنوان مبادء، ضابطه قرار بدهد، باید از یک اتقانی برخوردار باشد.

استاد: ببینید روایت عبیدی از اتقان دلالت بالا و قوی ای برخوردار است که وقتی با ادله فوق تواتر می‌گوییم موضوع وجوب صوم، شهر مبارک است، این روایت به‌خاطر اتقان دلالی ای که دارد خودش را قبل از آن‌ها می‌برد. چرا؟ به‌خاطر این‌که یکی از واضحترین چیزها در روایات رویت، استصحاب است. مرحوم شیخ فرمودند انصاف این است که بالاترین دلیل برای استصحاب همین روایات رویت است. شما مدام می‌گوییم روایات متواتر بر رویت هست! درحالی‌که این‌ها دارد استصحاب را به متشرعه یاد می‌دهند. روایاتی که استصحاب و سهولت امر و بناء عقلائی را یادشان می‌دهد، شما می‌گویید روایت عبیدی اتقان ندارد! درحالی‌که روایت عبیدی دارد فوق استصحاب را می‌گوید. وارد بر آن است. وقتی حجیت روایت سر رسید و تقدم رتبی داشت و دلالتش هم از حیث تبیین موضوع ثبوتی اقوی بود، شما می‌گویید این دو روایت در مقابل این همه روایات رویت است؟! مانعی ندارد؛ در اصول بود که آیا با یک روایت صحیح می‌توانید کتاب را تخصیص بزنید یا نه؟ کتاب متواتر است، یک روایت خبر واحد است، اصلاً فرض علماء این است. می‌گویید وقتی تقدم رتبی دارد، اگر ضعف آن روایت به حد نسبا حجیت رسید، تقدم رتبی دارد و دیگر هم مشکلی نیست.

شاگرد۳: ارتکاز خیلی از روایات رویت را می‌زند، ولی مثلاً موافق با فرمایش شما ای حاج آقا است که وجود هلال بالای افق را کافی می‌دانند. می‌گویند «شَهِدَ» این مقدار است که بالای افق باشد ولو قابل رؤیت نباشد.

استاد: علی ای حال سر و کار ما موضوعاً با خود هلال در شهر است. و در آفاق با یک کره‌ای است که از سر و پایش غموض می‌بارد در نظمش.

مورد دیگر که برای من مهم است، این است: وقتی سراغ موضوع «الشهر» می‌رویم، می‌گوییم این «الشهر» به انسان‌ها مربوط است. آخه ارتکاز متشرعه این است که وقتی خدا انسان‌ها را خلق کرد، تازه شهر مبارک محقق شد؟! یعنی الشهر المبارک متأخرٌ عن خلق الانسان؟! ارتکاز متشرعه چیست؟ الآن عبارت آقا را خواندم. ایشان هم فرمودند که متفرع بر انسان‌ها است. مگر ارتکاز

متشرعه برای خود شهر، این است که متأخر از خلق انسان است؟! این جور نیست. ادله ی مفصلی هم در نصف النهار دحو الارض و هم در خود آیات شریفه –«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا [1] فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ [2] [3]– بوده که از روز اولی که خلقت آدم صورت گرفت، و این دم و دستگاه بوده است؛ ما ماه مبارک داشته‌ایم. به ترتیب آمده و بعد انسان خلق شده و هر ماهی هم تکرار شده است.

شاگرد: التزام به اینکه کلاً شهر ظاهری مالک است، آیا مشکلی ایجاد می‌کند؟ یعنی خلاف ارتکاز است؟ یعنی شهر واقعی هست ولی خداوند تعاملات را با شهر ظاهری گذاشته باشد.

استاد: من مشکلی ندارم. اصلاً می‌گویم که عرض کردم در ادله اثباتیه خیلی پر رنگ است. و لذا جایی که بین اصل ثبوت موضوع واقعی هلال با «جعل الاهلة مواقیت» جمع کردیم، عرض کردم که به چه صورت است. ولی درعین‌حال میقاتیت به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند آن موضوع ثبوتی را دست کار کند. میقاتیت یکی از آثار مترتب بر شهر است. چون ما ثبوتاً یک شهری داریم،[میقات هم داریم]. و از چیزهایی که بندگان خدا می‌توانند از آن موضوع ثبوتی استفاده کنند، میقاتیت است، لذا خداوند بر این موضوع میقاتیت را متفرع کرده است. این منافاتی ندارد با اینکه چون میقاتیت الآن مترتب است، ما برگردیم و موضوع ثبوتی "الشهر" را دستکاری کنیم. بگوییم «الشهر» یعنی آن شهری که میقات در آن بالفعل محقق شده، شهر است. نه، این‌ها در طول هم هستند و منافاتی با هم ندارند.

همچنین فرمودند: سیره مسلمانان تا حالا نبوده است. و یکی هم [فرمودند:] جعل، خلاف [حکمت و] حکیمانه است.

---

[1] البقره ۱۸۵

[2] التوبه ۳۶

[3] التوبه ۳۶

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژانویه 2026 12:29:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژانویه 2026 12:53:18 توسط ... .